

بررسی نقش جنبش جوانان در انقلاب اسلامی

(نمونه پژوهی: دانش‌آموزان دبیرستانی اصفهان ۱۳۵۷-۱۳۵۴)

مریم قانونی^۱

چکیده

در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، افراد و گروه‌هایی با وابستگی متفاوت مشارکت داشتند. اهداف و نحوه مشارکت این گروه‌ها متفاوت بود و نشان از اهداف گوناگون آنها داشت. شناسایی نحوه این مشارکت و اهداف آن، در ترسیم دورنمای انقلاب اسلامی و اهداف کلی وقوع آن اهمیت فراوانی دارد. دانش‌آموزان در زمره گروه‌هایی هستند که به نقش آنها در پیروزی انقلاب اسلامی کمتر پرداخته شده است. این بخش از اجتماع که فعالیتش در قالب «جنبش جوانان» تعریف می‌شود به‌ویژه در مرحله نهایی نهضت اسلامی حضور پررنگی داشته و در بسیاری از اقدامات پیشرو به شمار می‌رفت. در این مقاله ضمن محور قرار دادن جنبش جوانان، به فعالیت این گروه در یکی از شهرهای پیشرو در انقلاب اسلامی (اصفهان) و در سال‌های نزدیک به پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته شده است. پرسش اصلی نوشتار این است که «دانش‌آموزان اصفهانی چه مشارکت ویژه‌ای را در روند مبارزاتی انقلاب اسلامی ایفا کرده‌اند؟» در پژوهش حاضر با مبنا قرار دادن مصاحبه‌های مقدماتی، کلیدواژه‌های مرتبط استخراج شده و با بررسی اسناد و مدارک مکتوب به صحت‌سنجی مطالب اقدام شده است. در این نوشتار فرضیه اصلی مدنظر مشارکت فعالانه دانش‌آموزان در روند مبارزاتی آشکار و خیابانی نهضت است.

واژه‌های کلیدی: جنبش دانش‌آموزی، جنبش جوانان، اصفهان، انقلاب اسلامی.

۱. دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

Maryam.ghanooni@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۴ نوع مقاله: پژوهشی

**Investigating the role of the youth movement in the Islamic revolution
(Case study: Isfahan high school students 1976-1979)**

Maryam Ghanooi ¹

Abstract

During the victory of the Islamic Revolution, people and groups with different affiliations participated. The goals and participation methods of these groups were different and showed their different goals. Identifying the manner of this participation and its goals is very important in drawing the perspective of the Islamic Revolution and the general goals of its occurrence. Students are among the groups whose role in the victory of the Islamic Revolution has been less discussed. This part of society, whose activity is defined as "youth movement", had a prominent presence especially in the final stage of the Islamic movement and was considered a leader in many actions. In this article, while focusing on the youth movement, the activities of this group in one of the leading cities in the Islamic Revolution (Isfahan) and in the years close to the victory of the Islamic Revolution have been discussed. The main question of the article is, "What special contribution did Isfahan students play in the struggle process of the Islamic Revolution?" In the current research, based on the preliminary interviews, relevant keywords were extracted and the authenticity of the content was verified by examining the written documents. In this article, the main hypothesis considered is the active participation of students in the process of exposed and street struggles of the movement.

Keywords: student movement, youth movement, Isfahan, Islamic revolution.

1. PhD in History of Islamic Revolution, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Isfahan University, Isfahan, Iran. Maryam.ghanooi@gmail.com

مقدمه

فرهنگ و بستر جنبش جوانان را هرگونه فعالیت سیاسی، مذهبی یا اجتماعی تعریف کرده که عمده شرکت‌کنندگان آن را جوانان شکل دهند. هدف از این فعالیت‌ها نیز در بیشتر موارد تغییرات سیاسی بیان شده است. جنبش جوانان معمولاً دربرگیرنده جوانان در دوره اواخر نوجوانی و اوایل دهه بیست است (Www.merriam-Wbster.com/dictionary/youth). ممکن است این افراد محصل دبیرستان باشند یا دانشجوی دانشگاه یا حتی به تحصیل مشغول نباشند.

گرچه در تقسیم‌بندی دوره‌های زندگی بر اساس سن ملاحظات مختلفی در نظر گرفته می‌شود؛ اما یکی از پذیرفته‌شده‌ترین تقسیم‌بندی‌ها، تعریف سن ۱۵ تا ۲۹ سال به رده سنی جوانی است. واژه نوجوان نیز زیرمجموعه واژه جوان محسوب می‌شود. بدین ترتیب هرچا به واژه «جوان» و «جنبش جوانان» اشاره می‌شود هر دو گروه مدنظر است. همان‌طور که اشاره شد این گروه سنی ممکن است در مقطع دبیرستان یا دانشگاه مشغول تحصیل باشند، سنین تحصیلی را گذرانده یا اصلاً شرایط تحصیل برای آنها فراهم نشده اما در هر صورت در روند تغییرات جامعه نقش فعالی ایفا کرده‌اند. در غالب جنبش‌های جوانان، محوریت بر جوانان شهری و به‌ویژه دانشجویان و دانش‌آموزان است.

جنبش جوانان بخشی از جنبش‌های عام است. این بخش از جنبش‌های اجتماعی با گروه‌بندی و بیان نارضایتی بخشی از جامعه، در عرصه سیاست دخالت کرده و حکومت را به پاسخ‌گویی به مردم و اصلاحات وادار می‌کنند. اطلاق تحرکات و فعالیت‌های بخش جوان جامعه به جنبش جوانان که مشتمل بر بخش‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، از اصطلاحات نوینی است که ابتدا در بررسی رویدادهای جهان امروز مورد استفاده قرار گرفت؛ سپس با توجه به ویژگی‌های آن به مشارکت سیاسی در گذشته نیز تسری یافت. بدین معنا که در زمان حضور بخش جوان در انقلاب اسلامی ایران، واژه جنبش جوانان واژه‌ای ناملموس بود اما این واژه امروز در سطح گسترده‌ای به فعالیت‌های جوانان از گذشته تا حال، اطلاق می‌شود.

پیشینه پژوهش

موضوع این پژوهش به‌صورت مستقل در کمتر اثری مورد بررسی قرار گرفته است. عباس‌زادگان، توکلی و احمدی، در پژوهش‌های خود به موضوع حضور دانش‌آموزان در روند رویدادهای کشور پرداخته‌اند؛ ولی پژوهش‌های آنها درباره کل دانش‌آموزان ایران و تأکیدشان بر شهر تهران است. در میان مقالات نیز مقاله بسطامی با موضوع گروه ابوذری (از گروه‌های با پایه دانش‌آموزی در شهر

همدان) و دیگری نوشته غفاری و قاسمی با موضوع جامعه‌شناسی خاستگاه جنبش جوانان ایران در بخشی به صورت گذرا به دانش‌آموزان هم پرداخته است. در همه این پژوهش‌ها، به جز اثر مرتبط با گروه ابوذر، مشارکت دانش‌آموزان به عنوان امری فرعی و در حاشیه بقیه کنش‌گران انقلابی مدنظر قرار گرفته است.

در نوشتار حاضر تأکید اصلی بر بخش کمترشناخته شده جنبش جوانان یعنی دانش‌آموزان با تأکید بر دانش‌آموزان شهر اصفهان است. دوره زمانی مدنظر نیز آخرین سال‌های حکومت پهلوی دوم در نظر گرفته شده است. جمعیت جوان ایران در این سال‌ها افزایش چشم‌گیری پیدا کرده بود. علاوه بر این، با تغییرات نظام آموزشی سطح سواد نیز در جامعه به‌طور محسوس بالاتر رفت. بنابراین حضور جوانان و نوجوانان در این زمان در بخش‌های مختلف از برنامه‌ریزی‌های حکومتی گرفته تا حضور در خیابان‌ها به عنوان مخالفان رژیم وقت، حائز اهمیت فراوان به شمار می‌رفت. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که با توجه به افزایش مشارکت سیاسی نوجوانان مقطع متوسطه در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، اصلی‌ترین ویژگی‌های این جنبش که آن را از نحوه مشارکت سایر طبقات و گروه‌های جامعه ایرانی در وقوع انقلاب اسلامی متمایز می‌کرده، چیست؟

روش تحقیق

در بررسی نقش گروه‌های مختلف در پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به بخش دانش‌آموزی کمتر پرداخته شده است. در بخش‌هایی از خاطرات کنشگران انقلابی یا در مطالعاتی که به نقش سایر گروه‌های اجتماعی در وقوع انقلاب پرداخته، برخی اشاره‌ها به حضور دانش‌آموزان شده است. اما این اشارات اندک بوده و به تحلیل‌های دقیق منتهی نشده است. به این علت و بنا به معاصر بودن دوره تحقیق، مصاحبه فعال (تاریخ شفاهی) بهترین ابزار پژوهش در این تحقیق و موضوعات مشابه به شمار می‌رود؛ بدین ترتیب در بخش اول مقاله با استفاده از روش توصیفی به شرح پیشینه جنبش جوانان در ایران و نحوه مشارکت سیاسی نوجوانان در این جنبش پرداخته شده و در تحلیل شاخصه‌ها روش تاریخ شفاهی و کاربرد مصاحبه و تحلیل کیفی شیوه اصلی بوده است. تاریخ شفاهی ابزاری است که به کمک مصاحبه به پژوهشگر برای نزدیکی بیشتر و دقیق‌تر به موضوع مورد پژوهش یاری می‌رساند. روایتی که مصاحبه‌شونده از واقعیت بیان می‌کند، راهی است برای دستیابی به چرایی یک واقعه که از زبان یکی از افراد دخیل در آن بیان می‌شود (Gabrum and Holstein, 2002:3). مصاحبه فعال نشان‌دهنده این نکته است که از میان حوادث یک دوره یا شخصیت‌های

دخیل در رویدادی کدام یک مهم ترند. مصاحبه‌های کیفی از نظام پرسشی باز پیروی می‌کند. مصاحبه‌کننده به فراخور مطالب، پرسش‌های نوینی مطرح کرده و از مصاحبه‌شونده می‌پرسد. پاسخ‌ها در قالب کدهای مشخصی دسته‌بندی شده و ادامه مسیر تحقیق را مشخص می‌نماید (نورائی و...، ۱۳۹۴: ۹۰-۸۹). اطلاعات به دست آمده از طریق مصاحبه سپس در کنار سایر منابع موجود پژوهش مانند اسناد، روزنامه‌ها، خاطرات مکتوب و... در پاسخ‌دهی به سؤالات پژوهش راهگشاست. در تاریخ شفاهی به مثابه ابزار پژوهش کیفی، پژوهشگر با نزدیک شدن به موضوع با روش مصاحبه عمیق و گفتگو، تلاش می‌کند تا جنبه‌های مبهم موضوع را تا حد امکان و اشکافی نماید (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۴۱). در روش‌های پژوهش کمی، اطلاعات به صورت طبقه‌بندی شده و آماری ارائه می‌گردد. در روش کمی تلاش می‌شود تا با استفاده از ابزارهای کمی، به نوعی قطعیت پژوهش تضمین و تأیید گردد. اما در تحقیقات تاریخی وضعیت به گونه دیگری است. تاریخ درباره اعمال و کنش‌های افراد و زندگی روزمره آنهاست. در پژوهش‌های تاریخی تلاش می‌شود تا حد امکان به احساسات، واکنش‌ها، افکار و دلایل تصمیم‌گیری نزدیک شد (استفانورد، ۱۳۸۲: ۵۹). در روش‌های تحلیل تاریخی صرفاً توصیف وقایع مدنظر نیست بلکه دلیل درون‌رویدادی که ناشی از افکار انسان‌هاست نیز مدنظر قرار می‌گیرد و این نکته در بررسی تاریخ معاصر شایان اهمیت است. هرچه تاریخ مربوط به گذشته نزدیک‌تری باشد، حافظه افراد دخیل در رویداد یا شاهد وقایع، قابل اعتمادتر است و بنابراین امکان بررسی ابعاد درون‌فردی وقایع و جریان‌ها نیز امکان‌پذیرتر می‌شود. تحقیق کیفی مستلزم کار میدانی است. پژوهشگر در این شیوه با حضور در محیط و گفتگو با افراد از روش استقرایی استفاده کرده از جزئیات به نتیجه‌گیری کلیات می‌پردازد (ایمان و غفاری‌نسب، ۱۳۸۹: ۲۷). فرصت فراهم آمده در مصاحبه به شرکت‌کنندگان این امکان را می‌دهد تا دیدگاه خود درباره وقایع را به آن صورتی که تجربه کرده‌اند بیان نمایند (ژیان‌پور، ۱۳۹۴: ۱۸). در این روش گاه استنادات به مصاحبه‌ها اندک بوده اما تحلیل کلی ناشی از اطلاعات استخراج شده به کار گرفته می‌شود.

برای مشخص شدن ماهیت موضوع تحقیق در بخش توصیفی این نوشتار نیز از اسناد، روزنامه‌ها، مدارک و خاطرات دانش‌آموزان و کنشگران انقلاب استفاده شده و کلیت روند مشخص شده است. بخش عمده این روایت نیز بر مبنای مصاحبه با برخی از دانش‌آموزان سال‌های مدنظر تحقیق پس از بررسی و مطابقت با اسناد موجود ترسیم شده است. سپس با استفاده از مهم‌ترین فاکتورهای مطرح شده در مصاحبه با این تعداد، تلاش شده تا به سؤال اصلی این پژوهش پاسخ داده شود. بدین ترتیب که بر اساس کدبندی مهم‌ترین پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، شاخصه‌های اصلی

متمايزکننده جنبش جوانان در شاخه دانش آموزی در شهر اصفهان در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی استخراج شود.

جنبش جوانان به چه معناست؟

در تعریف جنبش اجتماعی آن را اقدام دسته‌جمعی مجموعه‌ای از افراد جامعه برای تبلیغ و ترویج و عملی کردن تغییری یا جلوگیری از تغییر در کل جامعه یا بخشی از آن در بین گروهی که برای آن بسیج شده‌اند، بیان کرده‌اند (Turner, Kilian, 1975:15). از این منظر جنبش اجتماعی جنبشی است که به‌طور کلی مستمر و نظام‌مند باشد. به‌مرور زمان و برای دستیابی به اهداف مدنظر تقسیم‌کاری میان اعضا پدید آید، برای آن رهبری انتخاب شود و اعضای آن برای خود هویتی جداگانه قائل شوند. معمولاً ریشه شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی، نارضایتی‌های اجتماعی است. این نارضایتی زمانی که به حد ویژه‌ای برسد باعث کنار هم قرار گرفتن عده‌ای برای عملی مشترک ضد آن عامل ایجادکننده نارضایتی می‌شود.

همان‌طور که ذکر شد، در رده‌بندی‌های رسمی افراد بین سن ۱۵ تا ۲۹ سال در رده جوانان قرار می‌گیرند. بخش زیادی از این سن را دوران دبیرستان و دانشجویی شکل می‌دهد. دوره‌ای که دغدغه‌های جوانی به‌اضافه شور و هیجان این سنین، قدرت بدنی فراوان و گاهی گریز از محافظه‌کاری نسل میان‌سال، زمینه‌های اصلی ورود به صحنه‌های مختلف ازجمله سیاست را شکل می‌دهد. برخی محققان ارتباط معناداری میان میزان جوان بودن جمعیت یک کشور و امکان وقوع آشوب یا انقلاب در آن کشور پیدا کرده‌اند (<http://undesadspd.org/Youth.aspx>) در مقابل جوامع با افراد کهن‌سال بیشتر، معمولاً تلاطم کمتری را تجربه کرده‌اند. نهضت‌های جوانان نشان‌دهنده تلاش‌های سازمان‌یافته و آگاهانه افراد جوان در راستای ایجاد تغییر یا مقاومت در برابر نظم اجتماعی موجود است. چنان‌که گفته شد در جوامعی که حکومت‌های آن مشروعیتی ندارند یا در شرایط خاص گذار اجتماعی اقتصادی به سر می‌برند، محیط ایدئال برای رفتارهای اعتراض آمیز در قالب‌های مختلف فراهم است (برونگارد، ۱۳۷۰: ۱۰۷). این گفته گاریبالدی که او هر زمان اراده می‌کرد می‌توانست ارتشی از جوانان را برای فعالیت‌های میهن‌پرستانه آماده کند (Moller, 1968:241) نشانه‌ای از باور به آمادگی دائمی نسل جوانان در فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی است.

ماهیت جنبش جوانان در کشورهای مختلف و در دوره‌های مختلف، متفاوت بوده است. این جوانان بودند که در آلمان پس از جنگ جهانی اول، با حضور گسترده در انتخابات، هیتلر را انتخاب کردند. تا دهه پنجاه میلادی، نوجوانان در اروپا با رفتارهای پرخاشگرانه به گونه‌ای معضل در اروپا تبدیل شده بودند. در آمریکا این جنبش‌ها از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد آغاز شد. زمانی که اعتراضات شفاهی در قالب جنبش‌های مدنی شکل گرفت. بخش عظیمی از این فعالان را افراد زیر سی سال تشکیل می‌دادند (Graham, 2006:83).

جنبش جوانان ممکن است بیشتر یادآور جنبش دانشجویی باشد. اما در سراسر جهان دانش آموزان به ویژه در مقطع متوسطه در کنار دانشجویان در مشارکت مثبت با منفی سیاسی و اعتراضات، مشارکت داشتند. در سال ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ میلادی در اندونزی، بعد از آنکه حامیان کمونیست سوکارنو کودتایی ضد او را خنثی کردند و به هنگام تلاش سوکارنو برای تثبیت مجدد جایگاه قدرت خود، طرفداران و مخالفان کمونیست و مسلمان او به مقابله برخاستند. پرچم‌دار ورود جوانان به میدان این مبارزه در مقابله سوکارنو دانشجویان بودند. با نتیجه ندادن فعالیت‌های دانشجویان، آنها دانش آموزان دبیرستانی را به صحنه فراخواندند و بدین ترتیب دولت سوکارنو در سرایشی سقوط قرار گرفت. نوجوانان مسلمان و سایر غیر کمونیست‌ها با حمایت خانواده‌های خود به خیابان‌ها آمدند. جوانان خطری را به جان خریدند که بزرگ‌ترها پذیرای آن نبودند. در ماه‌های بعدی این گروه در راستای شناسایی کمونیست‌ها کمک زیادی کردند. در طول یک سال بعد دانشجویان و هم‌پیمانان دانشجویی آنها اعتراضات خیابانی را در راستای ایجاد تغییرات بیشتر ادامه دادند. بزرگ‌ترها برای آنها صرفاً در حد راهنمایان مسیریابی کار می‌کردند (S. Zurbuchen, 2002:567-580).

در توصیف اوضاع آن زمان اندونزی جمله‌ای گفته شده که می‌تواند برای سایر جنبش‌های مشابه نیز معنادار باشد: «آنها (جوانان) بسیار عصبانی و رنجیده‌اند. در برهه حساس تاریخی کنونی، این دانش آموزان هیجان‌زده، مصمم، نابالغ و آموزش‌نندیده در مکتب سیاست، کنترل همه چیز را به دست گرفته‌اند. ایشان حالا در حال آموختن سیاست با سرعت فوق‌العاده‌ای هستند» (Friendly 1966:5).

این نکته شایان توجه است که هر اندازه جمعیت جوان کشوری افزایش پیدا کند، امکان تغییرات و تحولات فرهنگی و سیاسی آن جامعه بیشتر می‌نماید. اگر بتوان کارگران میانسال و پیر را بدون عواقب تغییرات سیاسی در گرسنگی و بدبختی نگاه داشت، درباره جوانان این غیرممکن است.

جنبش جوانان در میان جنبش‌های اجتماعی در همه کشورها به دنبال حقوق شهروندی، مشارکت مثبت سیاسی، استقرار نظام‌های دموکراتیک و حق تعیین سرنوشت بوده است. البته این تقاضاها از جانب جنبش جوانان بیشتر در کشورهای توسعه‌یافته بوده و در کشورهای توسعه‌یافته برخی تقاضاها مانند مقابله با آلودگی محیط‌زیست یا برچیدن نیروگاه‌های هسته‌ای و مسائلی مشابه، دغدغه اصلی جوانان و فعالیت‌های ایشان بوده است (Brungart, 1980:2).

جنبش جوانان در ایران

جنبش جوانان ایران در دهه ۱۳۵۰ ش (۱۹۷۰ م) در میانه دو جنبش جوانان در پهنه جهانی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ میلادی بود. ماهیت این دو جنبش در بخش‌های متعددی تفاوت داشت اما مهم‌ترین مسئله، حضور پررنگ جوانان دانش‌آموز و دانشجو برای تحقق خواسته‌های مدنظر بود.

از دلایل پررنگ شدن جنبش در این زمان در ایران نیز افزایش تعداد دانشجویان و دانش‌آموزان در دهه ۱۳۵۰ ش بود. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، جمعیت دانش‌آموزان از ۲/۳ میلیون نفر در سال ۱۳۴۲ به ۷/۵ میلیون نفر در سال تحصیلی ۱۳۵۶-۱۳۵۷ رسیده بود. تعداد دانش‌آموزان نیز در این دوره از ۷۴ هزار نفر در سال تحصیلی ۱۳۴۹-۱۳۵۰ به ۱۶۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۶-۱۳۵۷ رسیده بود (آمارنامه آموزش و پرورش، ۱۳۷۷: ۲). این افزایش تا حد زیادی به واسطه تصمیمات حکومتی برای مدرن‌سازی جامعه بود. از سوی دیگر در این سال‌ها مبارزات مسلحانه و چریکی تا اندازه‌ای به بن‌بست رسیده بود. بسیاری از سازمان‌دهندگان این گروه‌ها قلع و قمع شده بودند و تعداد زیادی از ایشان نیز تا سال ۱۳۵۴، از صحنه مبارزاتی خارج شدند (باقی، ۱۳۸۳: ۱۸۹). بدین ترتیب تمرکز بر روی جوانان و به‌ویژه نوجوانان برای آگاهی‌بخشی و ورود آنها به صحنه مبارزه افزایش یافت.

در سخن برخی از بزرگان انقلاب اسلامی درباره نحوه مشارکت سیاسی و فعالیت‌های نوجوانان در قبل از انقلاب این نکته آمده که نوجوانان در دوره قبلی تا قبل از ورود به دانشگاه به خود اجازه اندیشیدن به مسائل سیاسی را نمی‌دادند، اما در آستانه انقلاب مباحث سیاسی در دبیرستان‌ها هم مسائل سیاسی راه یافت (باهر، ۱۳۶۱: ۵۲). البته تلاش برای کسب آگاهی‌های سیاسی در میان دانش‌آموزان در آستانه وقوع انقلاب اسلامی گسترش یافت. همین نکته هم تا اندازه‌ای باعث غافلگیری رژیم شد که ریشه فعالیت‌های ضدحکومتی را در دانشگاه‌ها جستجو می‌کرد و توجه چندانی به نوجوانان نداشت. اما با مروری به گذشته می‌توان دید که در برهه‌های زمانی مهم تاریخی، دانش‌آموزان نه صرفاً تقلیدگونه که با آگاهی از اوضاع پا به میدان گذاشتند و عمل کردند. اینکه در

سال ۱۳۵۸ و در آستانه اولین انتخابات پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سن رأی دهندگان شانزده سال تمام تعیین شد، نشان گر این بوده که انقلابیون بر مبنای تجربیات خود از حضور نوجوانان در روند مبارزات انقلابی به این نتیجه رسیده بودند که نوجوانان شانزده ساله هم توان تعقل و اندیشیدن و در نتیجه انتخاب کردن را دارند. علاوه بر اینکه با تعیین این سن به آنها به عنوان کسانی که اجازه دارند درباره آینده کشوری که در آن زندگی می کنند تصمیم بگیرند، احترام گذاشته شد.

جنبش جوانان در اصفهان

شهر اصفهان از منظر فعالیت های سیاسی و فرهنگی سابقه ای طولانی دارد. از قدیم ترین ایام در این شهر جریان های مختلف سیاسی فکری توانسته بودند جایگاه مناسبی در میان روشنفکران، دانشجویان و دانش آموزان به دست آورند. به علت گستردگی شبکه صنعتی شهر، نفوذ حزب توده نیز از قدیم ترین ایام در اصفهان پررنگ بود. در روند رویدادهای منجر به ملی شدن نفت، اصفهان با توجه به اینکه شهری کارگری و صنعتی بود، پایگاهی برای مطالبات و مبارزات مرتبط با جبهه ملی محسوب می شد. علمای برجسته ای نیز در این شهر از حامیان ملی شدن نفت به شمار می رفتند.

دانشگاه اصفهان نیز از ابتدای تأسیس پایگاه فعالیت های فکری گروه های مختلف بود. دانشجویان دانشگاه اصفهان با توجه به ارتباط با انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران ابتدا سازمانی را به نام سازمان جوانان اسلامی تشکیل دادند (یزدی، ۱۳۹۴: ۷۷). با تکمیل این سازمان بود که انجمن اسلامی دانشجویان اصفهان به طور رسمی در سال ۱۳۳۲ تشکیل شد. پس از آن روند شکل گیری گروه ها و فعالان مذهبی و غیرمذهبی در اصفهان ادامه یافت.

بدین ترتیب بود که در حوادث منتهی به ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نیز جوانان در روند امور مشارکت فعال داشتند. پس از حوادث فروردین ۱۳۴۲ و در اعتراض به اقدامات حکومت، در اصفهان نیز شور و هیجان مقابله با حکومت و حمایت از رهبری مذهبی، که در مقابل اقدامات حکومتی ایستاده بود، بالا گرفت. در جریان اعتصابات پیش آمده تلاش شد تا مدارس نیز درگیر شوند. هرچند این اعتصابات جز در یک مورد موفق نبود. مدیر دبیرستان خلد برین واقع در خیابان ابومسعود اصفهان به مأموران گفته بود که دانش آموزان کلاس های سوم و چهارم دبیرستان روز ۱۵ فروردین از شرکت در کلاس های درس خودداری کردند (مراسان، ش.بازیابی ۱۳۲: ۱۵۶). مهم ترین شکل این سال ها که صبغه دانش آموزی آن بسیار پررنگ بود و در حوادث سال های بعدی نقش پررنگی ایفا کرد، کانون اسلامی دانش آموزان بود که به همت سیادت موسوی و اسماعیل خانیان (حنیف، ۱۳۹۶: ۳۶۱)

تشکیل شد. دلیل شکل‌گیری چنین تشکلهایی در این زمان اعتقاد بر این بود که صرف فعالیت‌های مذهبی نمی‌تواند در مسیر بهبود امور مؤثر واقع شود و لازم است فعالیت‌های سیاسی نیز در کنار آن مدنظر قرار گیرد. اما با بررسی‌های صورت‌گرفته این نتیجه حاصل شد که در آن برهه صرفاً می‌توان بر دانش‌آموزان تمرکز کرد (خانیا، ۱۳۸۰). در حقیقت در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ که به‌نوعی شروع نهضت اسلامی به شمار می‌رود، تا سال ۱۳۵۷، بیشتر تمرکز به کادرسازی آن هم در مقطع تعریف‌شده جدید به‌عنوان دبیرستان، معطوف شد.

یکی از موارد مورد تأکید در اصول پیشنهادی حکومت پهلوی که با عنوان انقلاب سفید شهرت یافت، آموزش و پرورش بود. در سال ۱۳۴۳ شورایی با عنوان شورای آموزش و پرورش شکل گرفت تا نظام جدید آموزش و پرورش را برای هماهنگ کردن فعالیت‌های آموزشی کشور با نظام نوین اجتماعی، بررسی کند. در این شورا نظام جدید آموزش و پرورش پایه‌گذاری شد و به دنبال آن تغییر برنامه‌های درسی و تجدیدنظر در کتاب‌های مدارس و تألیف کتب جدید در دستور کار قرار گرفت. با همین هدف نظام جدید آموزش و پرورش از سال تحصیلی ۱۳۴۵-۱۳۴۶، از نخستین پایه در سطح ابتدایی شروع به کار کرده و سال‌به‌سال اجرا شد (تعلیم و تربیت، ۱۳۵۲: ۴۳۴). بدین ترتیب اولین گروه از فارغ‌التحصیلان دوره پنج‌ساله ابتدایی در سال تحصیلی ۱۳۵۰-۱۳۵۱ وارد سال اول دوره راهنمایی و اولین گروه از فارغ‌التحصیلان دوره راهنمایی در سال تحصیلی ۱۳۵۴-۱۳۵۵ وارد مقطع دبیرستان شدند.^۱ نظام جدید آموزش و پرورش از سن شش‌سالگی آغاز می‌شد و برای کودکان در شهر و روستا اجباری و رایگان بود (تعلیم و تربیت، ۱۳۵۲: ۴۳۷). این طرح در سال تحصیلی ۱۳۴۹-۱۳۵۰ در ۲۵ شهر اجرا شد و در سال تحصیلی ۱۳۵۰-۱۳۵۱ مقدمات اجرایی شدن آن در پنجاه شهر دیگر فراهم آمد.

در نظام نوین آموزش، مقطع متوسطه بعد از دوره راهنمایی آغاز می‌شد و در حالت عادی و بدون عقب‌افتادگی، دانش‌آموزان بین سنین ۱۴ تا ۱۷ سالگی را در این مقطع می‌گذراندند. تحصیلات متوسطه چهارپایه و سه‌شاخه داشت: نظری، فنی و حرفه‌ای و جامع.

متولدین سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۳ مابین سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ دوران دانش‌آموزی خود را در سال‌های آخر نظام قدیم آموزشی و سال‌های اولیه نظام جدید آموزشی می‌گذراندند. در این زمان در

۱. اعتقاد بر این بود که این طرح که برای متولدین نیمه دوم سال ۱۳۳۹ به بعد اجرا شد، در واقع طرحی برای رضا پسر محمدرضا و ولیعهد او بود.

شهر اصفهان چند دبیرستان شاخص وجود داشت که فضای آن نیز گاهی سیاست‌زده به نظر می‌رسید. جدای از مدارس تعلیمات اسلامی که شاخص‌ترین آنها در اصفهان دبیرستان احمدیه بود، دبیرستان‌های ادب، نشاط، صارمیه، حکیم‌سنایی، صائب و هراتی در میان دبیرستان‌های پسرانه، دبیرستان‌های بهشت‌آیین و شهناز در میان دبیرستان‌های دخترانه و هنرستان فنی شماره یک در میان مراکز فنی شاخص‌ترین‌ها بودند. تجمع این مدارس در مناطق مرکزی شهر و نزدیک بازار بزرگ اصفهان بود. مرکز شهر محل اصلی تجمعات و فعالیت‌های انقلابیون نیز بود. این نکته اثرگذاری و اثرپذیری مشترک مدارس بر یکدیگر و بر محیط پیرامونی را بیشتر می‌نمود. این مدارس به پایگاه‌های اصلی انقلاب نیز نزدیک بود. مسجد حکیم، مسجد سید، مسجد جامع عباسی (امام) که محل تجمع انقلابیون و جلسات مذهبی و انقلابی بود، همگی در هسته مرکزی شهر قرار داشتند. با بررسی مراکز اصلی راهپیمایی‌های شهری در سال ۱۳۵۷، خیابان‌هایی نیز که در این محدوده قرار داشتند شاهراه‌های تظاهراتی به شمار می‌رفتند. خیابان‌های عبدالرزاق، ابن‌سینا، چهارباغ عباسی، آماذگاه، بزرگمهر و خواجه. البته با نزدیکی به زمان پیروزی انقلاب گستره این خیابان‌ها نیز در سطح شهر بیشتر شد.

در اصفهان نیز مردم مانند بسیاری از شهرهای ایران از دی‌ماه ۱۳۵۶ به‌طور علنی با موج انقلاب همراه شدند (مهرعلی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۲). اما هسته‌های اصلی مبارزاتی پیش‌تر و در قالب جلسات مذهبی و آموزشی شکل گرفته بود. با توجه به صبغه مذهبی شهر اصفهان، با وجود گسترده بودن فعالیت‌های گروه‌های چپ در این شهر بسیاری از این جلسه‌ها نیز با محوریت مباحث و مسائل مذهبی شکل می‌گرفت. خانواده‌ها هم خود با میل و رغبت به این جلسه‌ها رفت‌وآمد داشتند و هم به نوجوانان خود اجازه حضور در این جلسه‌ها را می‌دادند. رونق جلسه‌های مذهبی و کم‌رنگ شدن جلسه‌های مرتبط با گروه‌های غیرمذهبی و در رأس همه مجاهدین خلق در اصفهان نیز از سال ۱۳۵۴ و با اعلام مشی غیرمذهبی این گروه از قبل نیز کم‌رنگ‌تر شد و حتی برخی از افراد که به جذب نیرو و فعالیت در برخی مناطق اصفهان مانند نصرآباد می‌پرداختند، از ماهیت اصلی تلاش‌های خود صحبت نکرده و خود را در زمره جدانشدگان از سازمان مجاهدین خلق معرفی می‌کردند (نصر، ۱۳۵۶). بعد از انقلاب نیز با مشخص شدن ماهیت دوگانه این سازمان انقلابیون تلاش خود را برای مقابله با آن و جلوگیری از داخل شدن آنها در صف مبارزاتی به کار می‌بردند.

تا قبل از سال ۱۳۵۶ و علنی شدن مبارزات، مبارزان به گونه‌های مختلف در حال آماده‌سازی دانش‌آموزان بودند. از منظر ساواک دبیران مدارس توان اثرگذاری شدید بر فعالیت‌های دانش‌آموزان

را داشتند، بنابراین در کلاس‌های درس افرادی که تحت نظر بودند، برخی از دانش‌آموزان به‌عنوان گزارشگران ساواک حضور داشتند که کوچک‌ترین مطالب ضد حکومتی ارائه‌شده در کلاس را گزارش می‌کردند (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۴: ۶۱). در حقیقت سال ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ را می‌توان زمان نهایی تربیت نیروهای دانش‌آموز برای مرحله نهایی نهضت دانست. این دانش‌آموزان از یک‌طرف آموزش‌های لازم را جلسات، مساجد و مدارس می‌دیدند و از سوی دیگر خود به انتقال این آموزش‌ها به دیگران می‌پرداختند. نکته اصلی اینجاست که از منظر بسیاری از آموزگاران این جلسات و حتی خود دانش‌آموزان، هدف برگزاری این جلسات صرفاً سیاسی یا در راستای تغییر رژیم نبود. بلکه آماده‌سازی روحی و پاک‌سازی برای رسیدن به درجات بالای انسانی در بسیاری از این جلسات دلیل اصلی برگزاری آن بود (مرادی، ۱۳۹۶). جابه‌جا کردن اعلامیه، دست‌نویس یا تکثیر کردن آن، پیاده‌سازی مصاحبه‌های امام خمینی و ردوبدل کردن کتاب‌هایی با مضمون انقلابی از فعالیت‌های سیاسی ایشان در این دوره تاریخی بود.

با اوج‌گیری فعالیت‌های انقلابی در نیمه دوم سال ۱۳۵۶ و به‌ویژه مهر سال ۱۳۵۷ شهر در دست دانش‌آموزان است. با فرا رسیدن مهرماه دانش‌آموزان چرخاننده اصلی تجمعات و تظاهرات شهری هستند. در مرحله تشکیل تظاهرات و تجمعات یکی از اهداف مدارس بود. آگاهی بخشیدن به آن گروه از دانش‌آموزان که هنوز به موج نپیوسته بودند و ریختن ترس ایشان از مبارزه از اهداف شکل دادن تظاهرات در مقابل دبیرستان‌ها بیان می‌شد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان، ۱۳۸۲: ۲۰۰/۱). دانش‌آموزان در این مقطع زمانی از عوامل تشویق به اعتصاب و تعطیل کردن مدارس نیز بودند. بسیاری از تلفن‌هایی که به افراد یا مغازه‌ها زده و ایشان را به تشویق یا تهدید وادار به تعطیلی می‌کرد توسط نوجوانان صورت می‌گرفت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۲۰۱/۱).

تصور غالب از مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های انقلابی این بود که این افراد کم‌سن و سال مورد سوءاستفاده خرابکاران قرار گرفته‌اند. داریوش همایون، وزیر اطلاعات و جهانگردی و سخن‌گوی دولت وقت (دولت آموزگار) پس از اتفاقات مرداد ۱۳۵۷ اصفهان به‌ویژه آتش زدن هتل عباسی و سایر وقایع که منجر به اولین حکومت‌نظامی در ایران در شهر اصفهان شد، چنین گفت:

طبعاً عده‌ای دستگیر شده‌اند و عوامل اصلی را هم تعقیب و شناسایی خواهند کرد و به مجازات قانونی خواهند رساند. ولی نکته بسیار قابل تأسفی که پیش‌آمده این است که این عوامل از کسانی برای انجام مقاصدشان استفاده

می‌کنند که در جامعه به حد رشد قانونی نرسیده‌اند و مثلاً در اصفهان در هتل شاه عباس عده‌ای که حمله کرده بودند و آتش زده بودند، نوجوانانی بودند که کمتر از هیجده سال دارند و این موضوع حقیقتاً قابل تأسف است (مجله جوانان رستاخیز، ۲۸ مرداد ۵۷: ۳).

در اعتراضات گسترده‌ای که در قالب حمایت از رژیم پهلوی و بر ضد اقدامات انقلابیون ترتیب داده می‌شد نیز به این حضور نوجوانان اعتراض شده و به آن به شدت انتقاد می‌کردند. در تلگرامی که در روزنامه پیغام امروز به تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۵۷ به نقل از سندیکای کارگران هتل کوروش اصفهان خطاب به آموزگار، به چاپ رسید نیز این اعتراض به چشم می‌خورد:

جناب آقای جمشید آموزگار نخست‌وزیر، رویدادهای اخیر شهر اصفهان که به وسیله معدودی با اغفال فرزندان نابالغ مردم موجبات شکستن شیشه و درب و پنجره مؤسسات عمومی ادارات را فراهم نموده است، مورد انزجار کلیه طبقات به خصوص کارگران هتل کوروش می‌باشد و ما کارگران پشتیبانی خود را از اعلامیه دولت اعلام می‌داریم (روزنامه پیغام امروز، ۲۵ مرداد ۵۷: ۷).

در زمان حکومت نظامی اصفهان بعد از حوادث رمضان سال ۱۳۵۷، گزارش روزنامه‌ها از دستگیری تعداد زیادی از کسانی که مقررات منع رفت و آمد حکومت نظامی را نقض کرده بودند خبر می‌داد. در میان دستگیرشدگان تعداد زیادی نوجوان دانش آموز حضور داشتند:

فرمانداری نظامی اصفهان تاکنون تعداد دقیق دستگیرشدگان را اعلام نکرده است اما از آنجا که در دومین شب حکومت نظامی گروه‌هایی از نوجوانان در ساعات منع عبور و مرور از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر رفته‌اند و به سوی مأموران نظامی سنگ و اجر پرتاب کرده‌اند معلوم شده است که پاره‌ای از دستگیرشدگان که تا بعدازظهر دیروز زیر بیست سال هستند (روزنامه کیهان، ۲۳ مرداد ۵۷: ۲).

بنا به اطلاعات روزنامه‌ها و اسناد، بیشترین بخش آسیب‌ها به اموال عمومی - که نماد حکومتی به شمار می‌رفت - در شهر اصفهان را دانش آموزان وارد نمودند. با اوج گرفتن فعالیت‌های انقلابی و پس از اقدام به تعطیل کردن مدارس، قدم بعدی حمله به پایگاه‌های اقتصادی حکومت بود. پیش‌ازاین حمله به مراکزی مانند سینماها، کافه‌ها، مشروب‌فروشی‌ها و سایر عناصر فساد در جامعه، امری رایج بود که افراد بسیاری به آن دست زده بودند، اما مقصد جدید به‌ویژه برای دانش آموزان مراکزی مانند بانک‌ها، به‌ویژه بانک صادرات که مالک آن در بین مردم به بهایی بودن شهرت داشت، ایستگاه‌های

اتوبوس و حتی پمپ بنزین‌ها بود. اقداماتی از این دست فرماندار نظامی اصفهان را وادار کرد که اعلامیه پنجم خود را منتشر کند. در این اعلامیه که در روزنامه‌ها نیز به چاپ رسید، با لحنی که آشکارا تحریک‌کننده بود، مردم را به مقابله با دانش‌آموزان که عامل اصلی این حملات معرفی می‌شدند، فرامی‌خواند:

تأسف اینجاست که عامل بالفعل این اعمال در لباس دانش‌آموزان هستند که مدرسه و دبیرستان را تعطیل می‌کنند که پمپ‌های بنزین را به آتش بکشند و بانک‌ها را بسوزانند و مورد دستبرد قرار دهند و پلیس را که حافظ جان و مال و ناموس مردم می‌باشد در نهایت جوانمردی مجروح و به قتل برسانند (روزنامه پیغام امروز، ش ۴۵۰۲: ۳).

جملات ادامه این هشدار چنین است

ولی این عوامل شناخته‌شده باید بدانند که فرمانداری نظامی اصفهان و حومه با پشتیبانی قاطبه اهالی شریف و متدین و میهن‌پرست اصفهان به یاری خداوند بزرگ و به پیروی از تعالیم عالیه دین مبین اسلام نقشه‌های خائنه‌اشی مزدور بیگانه‌پرست را بر نقش بر آب خواهد کرد و در پایان این مبارزه حق بر باطل پیروز و عناصر آشوب‌طلب و اخلاک‌گر و فریب‌خورده منکوب و به سزای اعمال ناپسند و پلید خواهند رسید (روزنامه پیغام امروز، ش ۴۵۰۲: ۳).

این جملات به‌نوعی ترغیب مردم به مقابله با دانش‌آموزان به نظر می‌رسد، شاید چون هنوز این گمان وجود داشت که مقابله‌خشن حکومت با دانش‌آموزان که کودک و بیشتر نوجوان بودند، مردم را خشمگین‌تر کرده و تعداد بیشتری را به میدان مبارزه می‌آورد. از طرف دیگر این لحن سخن گفتن نوعی تهدید و پیغامی در لفافه برای خانواده‌های این نوجوانان داشت که این افراد به‌عنوان آسیب‌زندگان به اموال عمومی، که بعضی مانند تلاش برای آتش زدن پمپ‌بنزین خطری برای عموم مردم به شمار می‌رود، از هیچ مصونیت و مدارایی در برخورد خشن با ایشان برخوردار نخواهند شد. با آنها همان اندازه محکم برخورد می‌شود که با سایر به‌اصطلاح خرابکاران.

زمانی که یکی از مدارس تعطیل می‌شد دانش‌آموزان آن مدرسه به مدارس اطراف رفته و گاهی با شکستن شیشه‌های مدارس اولیای مدرسه را ترغیب به اجازه به دانش‌آموزان برای تعطیلی مدارس، می‌کردند. در نخستین روز آبان ۱۳۵۷، دانش‌آموزان هنرستان فنی کوروش واقع در خیابان عباس‌آباد پس از اطلاع از حضور ایگن، رئیس انجمن فرهنگی ایران و آمریکا، در محل انجمن با سنگ به آن

حمله کرده و باعث تعطیلی کنسرتی شدند که قرار بود روز سوم آبان ماه برگزار شود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان، ۱۳۸۲: ۵۸/۳).

روزنامه آیندگان در تاریخ ۴ آبان ۱۳۵۷، هم‌زمان با اعتراضات دانش‌آموزان دبیرستانی به برگزاری جشن تولد محمد رضا شاه، از حمله گروهی از این دانش‌آموزان به هتل جوانان اصفهان واقع در خیابان بزرگمهر که محل تجمع آمریکایی‌ها خبر داده است (آیندگان، ۴ آبان ۵۷: ۱۷). اقدامات دانش‌آموزان و از دست خارج شدن کنترل نظم مدرسه به جایی می‌رسد که در تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۵۷ فرمانداری نظامی اصفهان دستور تعطیلی کلیه واحدهای آموزشی اصفهان را داد (اسناد ساواک، سند شماره ۱۰/۱۲۶۷۰ م.ه).

پس از این تاریخ دانش‌آموزان به همراهی و گاهی در رأس سایر گروه‌ها در تظاهرات شهری حاضر بودند و شور انقلابی آنها در به صحنه کشاندن بسیاری از مردم اثرگذار بود. اوضاع به هم‌ریخته مملکت رژیم پهلوی را مجبور به تشکیل جلسه فوری شورای امنیت ملی می‌کند. سی و هشتمین جلسه شورای ملی که در تاریخ ۹ مهر ۱۳۵۷ برگزار شد و مسئله اصلی سرایت دامنه تظاهرات به صورت علنی به دبیرستان‌ها بود. در این جلسه نکته‌ای که مطرح شد این بود که آیا معلمان عامل آشوب‌ها هستند یا دانش‌آموزان. وزیر دادگستری (محمد باهری) بر این عقیده بود که معلمان با الغای تفکرات خود به دانش‌آموزان ایشان را به حضور در خیابان‌ها تحریک می‌کنند. منوچهر گنجی وزیر آموزش و پرورش بر این موضوع تأکید داشت که دانش‌آموزان بدون توجه به معلمان خود به فعالیت مشغول‌اند و درواقع ایشان محرک معلمان و سایر مردم هستند (آیا او تصمیم دارد بیاید به ایران، ۱۳۷۶: ۱۸). اعلام عجز دائمی مدیران مدارس قبل و بعد از این جلسه از ناتوانی در کنترل وضعیت دانش‌آموزان مؤید نظر وزیر آموزش و پرورش بود (سند شماره: ۱۹۴۴/ح مورخه ۵۷/۸/۶). با تصمیماتی که در این جلسه گرفته می‌شود و برای ساکت کردن اوضاع موج شدید دستگیری دانش‌آموزان از زمان تعطیلی رسمی مدارس آغاز می‌شود. دانش‌آموزانی که بدون محاکمه خاصی به مدت دو تا ده روز در کلانتری‌ها و بازداشتگاه‌ها می‌مانند، شاید به امید اینکه کم شدن حضور آنها در خیابان از شدت وخامت اوضاع بکاهد. هرچند که مسئله اصلاً مطابق انتظار پیش نرفت.

مهم‌ترین خواسته‌های بخش دانش‌آموزی جنبش جوانان

ناگفته پیداست که جوان شدن جمعیت، آن هم در سنین زیر بیست سال، به نوعی محرک تنش نیز هست. درحالی که سن درآمذزایی معمولاً بین بیست تا شصت سال به شمار می‌رود، افزایش جمعیت

زیر این سنین در سال‌های بعد هجوم گسترده به بازار کار و نیاز به برنامه‌ریزی دقیق برای این جمعیت را به دنبال دارد. طبق آمارگیری‌های صورت گرفته که آخرین آن قبل از انقلاب در سال ۱۳۵۵ منتشر شد، اصفهان یکی از شهرهای دارای تعداد زیادی جوان در مقابل بزرگسالان بود (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۵۵: ۱۱۰). سرشماری صورت گرفته در سال ۱۳۴۵ نیز اصفهان را جوان‌ترین شهر ایران معرفی می‌کرد (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۴۵: ۱۰۶). این نکته نشان می‌داد که این جمعیت در آینده نزدیک اصلی‌ترین گردانندگان جریان‌های شهری خواهند بود. به نظر می‌رسد در تقسیم‌بندی انواع افراد درون جنبش‌ها و انقلاب‌ها به فعالان متعصب و معتقد، فعالان محتاط، القاء‌پذیران، متقاعدشوندگان، پشتیبانان منفعل و وادارشندگان (بشیریه، ۱۳۷۲: ۹۳) دانش‌آموزان در دو دسته القاء‌پذیران و متقاعدشوندگان به نهضت اسلامی پیوستند. آن بخش از دانش‌آموزان که بنا به دلایل مختلف در اردوهای پیشاهنگی، سازمان شیر و خورشید و سایر فعالیت‌هایی که به نحوی حکومت در تنظیم آن نقش داشت مشارکت نداشتند، بیشتر از رده القاء‌پذیران با جنبش همراه شدند. این گروه تحت تأثیر برنامه‌های جنبی و خلاقانه گروه‌های مبارز به جریان مبارزه پیوستند. آن دسته از دانش‌آموزانی که در دسته متقاعدشوندگان قرار داشتند با تقویت بنیه اعتقادی و مطالعاتی خود، وظیفه خود را پیوستن به جریان مبارزاتی می‌دانستند. علاوه بر این، در دوره‌ای که انقلاب ایران رخ داد، جنبش جوانان در سراسر دنیا به دنبال یافتن اهداف مد نظر خود بود و دانشجویان و دانش‌آموزان دوش‌به‌دوش یکدیگر در فعالیت‌های مبارزاتی و در راستای دستیابی به اهداف خود تلاش می‌کردند. در این دوره مبارزه تبدیل به امری مقدس شده بود و همگان تلاش می‌کردند تا قدم‌های هرچند کوچکی در این راه بردارند.

چنانکه پیش از این گفته شد درباره انگیزه و دلایل مشارکت‌کنندگان در انقلاب اسلامی، نیز بررسی‌های صورت گرفته است (شایگان، ۱۳۸۹: ۱۳۱-۱۶۱). در مصاحبه با دانش‌آموزان زمان مدنظر تحقیق نیز برخی خواسته‌های مهم ایشان در آن مقطع زمانی مورد بررسی قرار گرفت. به نظر می‌رسد خواسته‌های دانش‌آموزان هم به‌مانند سایر گروه‌های مردمی با گذر زمان و نزدیکی به زمان پیروزی انقلاب اسلامی متفاوت شد. با نزدیکی زمان انقلاب ضمن همراهی تعداد زیادی از نوجوانان با فعالیت‌های انقلابی، نگرش و خواسته‌های آنها نیز تغییر کرد و رنگ و بوی دیگری گرفت. تا پیش از سال ۱۳۵۶، برای بخش زیادی از نوجوانان همان داشتن تحصیلات خوب، در درجه اول اهمیت قرار داشت. رفع تبعیض طبقاتی و امکان پیدا کردن شغل مناسب، در آن مقطع زمانی از سایر خواسته‌های مهم به شمار می‌رفت. با نزدیک شدن به زمان پیروزی انقلاب تغییر اوضاع جامعه،

افزایش توجه به مذهب، رفع تبعیض طبقاتی و برقراری عدالت اجتماعی، همراه با مسئله استقلال حکومت و رهایی از وابستگی به آمریکا و حمایت از اسرائیل در اولویت خواسته‌ها قرار گرفت. همین خواسته‌ها تا حد زیادی دلایل همراهی ایشان با این جریان‌ها را نیز نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد بخش مهمی از این درخواست‌ها، در واقع خواسته‌های جامعه ایرانی در حال انقلاب بود و نوجوانان نیز در این نگاه شریک بوده و اصلی‌ترین خواسته‌های خود را مطرح می‌کردند.

نتیجه‌گیری

در مقدمه این نوشته بیان شد که در مبارزات انقلاب اسلامی گروه‌های مختلفی مشارکت داشته‌اند که نحوه مشارکت و اهداف آنها از یکدیگر متفاوت بود. پرسش اصلی این پژوهش به نحوه مشارکت بخشی از این کنش‌گران که کمتر مورد بررسی قرار گرفته است، یعنی دانش‌آموزان، اختصاص داشته و فرضیه اولیه مطرح‌شده، مشارکت آنها در جنبه آشکار مبارزه و به‌ویژه مبارزات خیابانی است. آنچه از تلاش‌های دانش‌آموزان برای پیوستن به موج انقلاب به نظر می‌رسد، این نکته است که برخلاف تصور، در روند انقلاب صرفاً گروه‌های سنی بزرگسال درگیر نشدند. در بخش جوان نهضت، دانش‌آموزان در کنار دانشجویان به صفوف مبارزه پیوستند و بسیار مشتاقانه و در برخی موارد تندروانه وارد میدان شدند. اهمیت گروه سنی نوجوان به‌ویژه برای گروه‌های مختلف مبارز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پررنگ شد. این حضور و پیگیری آگاهانه دانش‌آموزان نوجوان در روند انقلاب بود که تصور غیرقابل اعتماد بودن نوجوانان و در نتیجه دخیل نکردن آنها به‌صورت آگاهانه و در عرصه وسیع در فعالیتهای مبارزاتی را تغییر داد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بخش عظیمی از مبارزات گروه‌های مختلف در راستای به دست آوردن جایگاهی میان دانش‌آموزان به‌ویژه در دبیرستان‌ها بود، کماکان که تعداد زیادی از نوجوانان نیز با شروع جنگ تحمیلی برای دفاع از ایران پا به میدان جنگ گذاشتند.

آنچه جنبش جوانان در شاخه دانش‌آموزی را تا اندازه‌ای از سایر بخش‌های دخیل در نهضت اسلامی مجزا می‌کند، این است که بسیاری از افرادی که در روند انقلاب به‌ویژه در سال‌های پایانی و به‌خصوص در سال ۱۳۵۷ مشارکت فعال داشتند، از مدت‌ها قبل تحت آموزش قرار گرفته بودند. آمادگی ذهنی دانش‌آموزان با شرکت در جلسات مذهبی خارج از مدرسه که در مدارس یا منازل شخصی برگزار می‌شد، افزایش می‌یافت. در بسیاری از این جلسه‌ها مسائل سیاسی به‌ظاهر مطرح نمی‌شد اما توصیف جامعه ایدئال اسلامی، هر جامعه و حکومت مخالف آن را آشکار می‌کرد.

بنابراین با نخستین جرقه‌های علنی شدن مبارزات، نوجوانان وارد عرصه شدند. نکته دیگری که از این مشارکت به نظر می‌رسد این است که سهم دانش‌آموزان در فراگیر شدن نهضت نیز شایان اهمیت است. آنان با جسارت و ویژه سنین خود در یکی از بخش‌های خطرناک جریان انقلابی یعنی تظاهرات خیابانی، فعالانه و مرتب حضور داشتند؛ به نحوی که طبق اسناد از مهرماه ۱۳۵۷ حتی روزهایی که بخش‌های دیگر جامعه آرامش ظاهری داشت، دبیرستان‌ها و خیابان‌های اطراف آن صحنه اعتراض و تظاهرات دانش‌آموزی بود. این بخش بدون برنامه مشوق حضور مردم در روند تظاهرات بود. به این معنا که مردمی که بسیاری والدین همین دانش‌آموزان بودند با نوعی تحسین و خجالت وظیفه خود را همراهی نوجوانان خود می‌دانستند. علاوه بر این، دانش‌آموزان با کشاندن تظاهرات به بازار و سایر بخش‌های حیاتی شهر، به‌طور آگاهانه، افراد را دعوت به تعطیلی مغازه‌ها و پیوستن به صفوف معترضین می‌کردند.

به نظر می‌رسد برای بررسی و شناخت همه‌جانبه ابعاد انقلاب اسلامی ایران، لازم است بخش‌های مختلف مشارکت‌کننده در این رویداد بر اساس تفاوت سنی، جنسیتی و شغلی مورد بررسی قرار گرفته و شاخصه‌های اساسی مشارکت هر کدام از این گروه‌ها تا حد ممکن استخراج شود. این نکته اگرچه تا اندازه در پژوهش‌های کمی مدنظر قرار گرفته است؛ اما تحلیل کامل و مطمئن‌تر آن نیازمند استفاده از روش‌های کیفی و نزدیکی تا حد امکان به موضوعات پژوهش است.

کتابنامه

الف) اسناد

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان): ش.بازیابی ۰۰۱۴۶۶۰۷۳، ۰۰۱۴۶۶۰۷۲، ۰۰۳۴۵۰۰۵۸.

اسناد آموزش و پرورش: دفاتر ثبت نام و اطلاعات مدرسان دبیرستان‌های اصفهان، موجود در اداره طرح و برنامه اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.

اسناد بنیاد دایره المعارف انقلاب اسلامی، شماره اسناد ۰۰۰۲۲۱۵۱، ۰۰۰۲۱۷۱۲، ۰۰۲۱۶۴۹، گزارش ۱۰/۶۰۶۱ ه ۱، ۱۳۳۹۰ ه/۱۱۶۹۰ د ه.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (اصفهان)، (۱۳۸۲)، ج ۱ تا ۳: ج ۴: (۱۳۹۵)، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

یاران امام به روایت اسناد ساواک (اسناد استاد پرورش) (۱۳۹۴)، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

ب) کتاب‌ها

- آبراهامیان، پروانه، ایران بین دو انقلاب، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴، چ ۱۱.
- آمارنامه آموزش و پرورش، (۱۳۷۷).
- احمدی، حسین، نقش دانش آموزان و معلمان در انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵.
- اسدی، علی و همکاران، گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران (گزارشی از یک نظرخواهی ملی در سال ۲۵۳۳)، بی‌نا
- استنفورد، مایکل، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
- باقی، عمادالدین، بررسی انقلاب ایران، تهران: نشر سرایی، ۱۳۸۳، چ ۳.
- بشیریه، حسین، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- توکلی، یعقوب، از اینجا آغاز می‌شود...: تاریخچه جنبش دانش‌آموزی در ایران اسلامی، تهران: مرکز آفرینش‌های ادبی هنری اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، ۱۳۸۸.
- حجازی، مسعود، خاطرات، تهران: صمدیه، ۱۳۸۷.
- حنیف، محمد، اصفهان در انقلاب، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۶، چ ۳.
- سرشماری عمومی، نفوس و مسکن شهرستان اصفهان، ۱۳۴۵.
- سرشماری عمومی، نفوس و مسکن شهرستان اصفهان، ۱۳۵۵.
- عباس‌زادگان، محمد، دانش‌آموزان در صحنه: نقش اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان در ایران، تهران: سیمای جوان، ۱۳۷۲.
- فوران، جان، مقاومت شکننده، تهران: نشر رسا، ۱۳۸۵، چ ۶.
- کورلانسکی، مارک، سالی که جهان را تکان داد، تهران، نشر امید صبا، ۱۳۹۵.
- مهرعلی‌زاده، مهدی، اصفهان در انقلاب، اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۵.
- یزدی، ابراهیم، شصت سال صبوری و شکوری، تهران: کویر، ۱۳۹۴.
- نصر، عباس، اصفهان در انقلاب، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۶، چ ۳.
- نورائی، مرتضی، ابوالحسنی، مهدی، تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ معاصر ایران، تهران: پژوهشگاه جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۴.

آیا او تصمیم دارد به ایران بیاید: مذاکرات شورای امنیت ملی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.

ب) مقالات

اعلم، امیرهوشنگ، «فعالیت‌های اجتماعی در دبیرستان‌ها»، مجله آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، س ۳۳، اردیبهشت ۱۳۴۲، ش ۳، صص ۲۷-۳۵

ایمان، محمدتقی، غفاری نسب، اسفندیار، «مبانی روش‌شناختی تحقیق میدانی و چگونگی انجام آن»، فصلنامه پژوهش تاریخ، س ۲، ش ۴، ۱۳۸۹، صص ۵-۳۰.

ایمان، محمدتقی، نوشادی، محمدرضا، «تحلیل محتوای کیفی»، مجله عیار پژوهش در علوم انسانی، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۵-۴۴.

باهنر، محمدجواد، «روانشناسی و جامعه‌شناسی: نوجوانان پس از انقلاب»، مجله پاسدار اسلام، شهریور ۱۳۶۱، ش ۹، صص ۵۱-۵۳.

برونگارد، ریچارد؛ برونگارد، مارکارت، «گزارش و تحقیق: چشم‌اندازی بر نهضت‌های جوانان در دهه ۱۹۸۰م»، ترجمه مهری قزوینی، مجله نامه فرهنگ، ش ۴، تابستان ۱۳۷۰، صص ۱۰۶-۱۱۳.

بسطامی، رضا، «گروه ابودر»، مجله زمانه، س ۴، آبان، ش ۳۸، ۱۳۸۸، صص ۳۶-۴۰.
ژیان‌پور، حمید، «کاربرد روش تحقیق پدیدارشناسی در تاریخ شفاهی: تبیین امکان و ضرورت»، مجله تاریخ پژوهی، زمستان ۱۳۹۴، ش ۶۵، صص ۱۶۵-۱۹۴.

شایگان، فریبا، «انگیزه و رضایتمندی مشارکت‌کنندگان در انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، تابستان ۱۳۸۹، ش ۲۱، صص ۱۳۱-۱۶۰.

غفاری، مسعود، قاسمی، علی‌اصغر، «نقش جنبش جوانان شهری در گذار به دموکراسی در ایران ۱۳۵۰-۱۳۸۰»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ش ۴۷، صص ۷۵-۹۴.

ج) روزنامه

پیغام امروز، ۱۳۵۷/۷/۲۷ ش ۴۵۰۲، ۵۳۵۲.

کیهان، ۱۳۵۴/۵/۲۳، ش ۱۰۵۳۹.

مجله جوانان رستاخیز، ۱۳۵۷/۵/۲۸، ش ۱۵۵.

آیندگان، ۱۳۵۷/۴/۴.

(د) مصاحبه

- آقاجان، علی، ۵۹ ساله، ۱۳۹۶.
- احمدی، محمدجواد، ۵۹ ساله، ۱۳۹۶.
- تیموری، جواد، ۵۹ ساله، ۱۳۹۶.
- توکل، مرتضی، ۶۰ ساله، ۱۳۹۶.
- حسینی خوراسگانی، مرتضی، ۵۷ ساله، ۱۳۹۶.
- حمزه زاده، حسین، ۵۶ سال، ۱۳۹۶.
- زاهدی، حسن، ۵۷ ساله، ۱۳۹۶.
- زرگرزادگان، پری‌چهر، ۵۵ ساله، ۱۳۹۶.
- زمانی، احمد، ۵۹ ساله، ۱۳۹۵.
- ستار، نیلوفر، ۵۶ ساله، ۱۳۹۶.
- سعیدی، زهرا، ۵۵ ساله، ۱۳۹۶.
- سلطانی کوپایی، مسعود، ۵۶ ساله.
- شهبازی، محمدرضا، ۶۲ ساله، ۱۳۹۶.
- صلواتی، فضل‌الله، ۴۶ ساله، ۱۳۹۶.
- عامری‌زاده، ۵۹ ساله، ۱۳۹۶.
- عبدالهیان، معصومه، ۵۵ ساله، ۱۳۹۶.
- عشاقی، جواد، ۷۰ ساله، ۱۳۹۶.
- علی‌مرادی، محمد، ۵۹ ساله، ۱۳۹۶.
- فتحی، محسن، ۵۶ ساله، ۱۳۹۶.
- فتحی، مصطفی، ۵۵ ساله، ۱۳۹۶.
- کاردان‌پور، پوران، ۵۵ ساله، ۱۳۹۷.
- مرادی، قدرت‌الله، ۵۹ ساله، ۱۳۹۶.
- مسجدی، محمد، ۵۶ ساله، ۱۳۹۶.
- مظاهری کوهانستانی، ۵۵ ساله، ۱۳۹۶.
- مظاهری، حسین، ۵۷ ساله، ۱۳۹۶.
- مقصودی، حسین، ۵۹ ساله، ۱۳۹۶.

ملکوتی نسب، علی رضا، ۵۷ ساله، ۱۳۹۶.

مهرابی کوشکی، مرتضی، ۵۵ ساله، ۱۳۹۶.

میلاذفر، اکبر، ۵۹ ساله، ۱۳۹۶.

نبی زاده، زهرا، ۵۷ ساله، ۱۳۹۶.

نصر، محمد، ۶۲ ساله، ۱۳۹۶.

نورائی، مرتضی، ۵۷ ساله، ۱۳۹۷.

هـ) منابع لاتین

<https://www.merriam-webster.com/dictionary/youth%20movement>

<http://undesadspd.org/Youth.aspx>

Braungart,R. And Braungart,M.M, **Youth Movement in 1980, a Global Perspective**, International Sociology, 5(2), 1990.

Graham,-Gael,**Young activist:American High School Students in the Age of protest**, Northen Illinois University press, 2006.

Gabrum. F.Jaber and Holstein. A. James, **a handbook of interview research**, sage publication, 2002.

Turner A.H and Killian, L.M, **Collective Behavior**, New York, Prentice Hall, 1975.

Moller H, Youth as a force in the modern world. Comparative Studies in Society and History 10, 1968, p.p 237–260.

Zurbunchen,s, Mary, **History,Memory and "1965 incident"**, in Indonesia, Sian survey, Vol:42, No. (July/Sgust), 2002, p.p:564-581.

